

واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم – صفحه ۲

form	شکل، تشکیل دادن	kind	مهربان ، نوع	native	بومی ، محلی
fortunately	خوشبختانه	kitchen	آشپزخانه	nearly	تقریباً
fourth	چهارمین	knowledge	دانش	necessary	لازم
frequently	مکرراً ، بارها	label	برچسب	neighbor	همسایه
give up	دست کشیدن، رها کردن	lake	دریاچه	no matter	مهم نیست
grade	درجه ، رتبه ، کلاس	laugh	خندیدن	notebook	دفترچه
grass	علف، چمن	learner	فراگیر، یادگیرنده	nowadays	امروزه
greatly	زیاد ، به طور عظیمی	less than	کمتر از	object	مفعول ، چیز
hard-working	سخت کوش ، پر تلاش	little	مقدار ناچیز ، کوچک	odd	نامناسب ، عجیب
Here you are.	بفرمایید (تعارف)	look for	جستجو کردن	office	دفتر کار
high school	دبیرستان	lots of	تعداد یا مقدار زیاد	once	یک بار ، زمانی
hint	نشانه ، اشاره، تذکر	loudly	با صدای بلند	own	خود، دارا بودن
history	تاریخ	luckily	خوشبختانه	pair up	دو تا دو تا
honest	شریف ، صادق	mainly	عمدتاً ، کلاً	paper	ورقه ، کاغذ
honestly	صادقانه	make different	تفاوت ایجاد کردن	parking lot	محوطه پارکینگ
host	میزبان، میزبانی کردن	make a mistake	اشتباه کردن	passage	متن
how many	چه تعداد	make sure	اطمینان یافتن	pattern	الگو ، طرح
how much	چه مقدار	make up	تشکیل شدن	percent	درصد
imagine	تصور کردن	many	تعداد زیاد	period	نقطه ، دوره ی زمانی
impossible	غیر ممکن	mark	علامت ، علامت گذاشتن	person	شخص
improve	بهبود بخشیدن	mean	معنی دادن، منظور داشتن	physical	جسمی
improvement	بهبود	meat	گوشت	pick	چیدن، برداشتن
institute	موسسه، آنستیتو	media	رسانه ها	piece	قطعه ، تکه
interest	علاقه	meet the needs of	برآورده کردن نیاز ها	planet	سیاره
interesting	جالب	melon	خربزه	plenty	زیاد ، فراوان
interestingly	به طور جالبی	mental	ذهنی	plural	جمع
interview	مصاحبه	mention	گفتن، ذکر کردن	point	نکته، متذکر شدن
invite	دعوت کردن	mind	ذهن	popular	محبوب ، مشهور
item	مورد، قلم ، جنس	mother tongue	زبان مادری	population	جمعیت
juice	آب میوه، عصاره	much	مقدار زیاد	powerful	قدرتمند
keep off	دوری کردن	museum	موزه	practice	تمرین ، تمرین کردن

واژگان درس اول کتاب زبان یازدهم - صفحه ۳

present	حاضر ، حال	singular	مفرد	turn off	خاموش کردن
price	قیمت	skill	مهارت	twice	دو بار
probable	محتمل ، ممکن	slice	تکه ، برش	type	نوع ، گونه
project	پروژه ، طرح	smart	باهوش ، تیز	uncountable	غیر قابل شمارش
pronoun	ضمیر	society	جامعه	understand	فهمیدن
proper noun	اسم خاص	some	تعدادی یا مقداری	use	به کار بردن
protect	محافظت کردن	someone	کسی	useful	سودمند
quit	رها کردن ، دست کشیدن	somewhere	جایی	valuable	ارزشمند
quite	کاملاً ، نسبتاً	space	فضا ، جا	value	ارزش
range	محدوده ، حیطة	speaker	گویشور ، سخنگو	vary	تفاوت داشتن، متنوع بودن
really	واقعاً	specific	خاص ، ویژه	verb	فعل
rearrange	دوباره مرتب کردن	spoken form	شکل گفتاری	visitor	دیدار کننده
receive	دریافت کردن	start	آغاز کردن، شروع	while	زمانی که
region	منطقه	step	مرحله ، گام	wind power	انرژی باد
remember	به خاطر آوردن	strategy	ساز و کار ، راهبرد	wish	آرزو داشتن، خواستن
repeat	تکرار کردن	subject	فاعل	without	بدون
researcher	محقق	suggest	پیشنهاد کردن	world	دنیا
respect	احترام کردن	surprising	تعجب بر انگیز	written form	شکل نوشتاری
rice	برنج	synonym	مترادف	wrongly	به طور اشتباه
Russian	روسی	system	سامانه ، سیستم	You're welcome.	خواهش می کنم (تعارف)
scan	بررسی اجمالی، پیمایش سریع متن	take notice of	توجه کردن به		
search for	جستجو کردن	tense	زمان (گرامر)		
second	دومین	text	متن		
seek	جستجو کردن	the news	اخبار		
sharpener	مداد تراش	then	سپس		
shop	مغازه ، خرید کردن	therefore	بنابر این		
sign language	زبان اشاره	think of	فکر کردن در باره ی		
similar	مشابه	third	سومین		
simple sentence	جمله ی ساده	through	از راه		
simply	به سادگی ، واقعاً ، حقیقتاً	tiny	بسیار کوچک		
sing	آواز خواندن	try	تلاش کردن		

واژگان درس دوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۱

a bit	کمی ، اندکی	creative	خلاق	fill	پر کردن
a long time	مدت طولانی	cultural	فرهنگی	finish	تمام کردن
above all	علاوه بر این، مخصوصاً	cure	درمان، معالجه کردن	for sure	با اطمینان
accident	حادثه، تصادف	cycling	دوچرخه سواری	forbid	ممنوع کردن
addict	معتاد	daily exercise	ورزش روزانه	forbidden	ممنوع
addiction	اعتیاد	danger	خطر	frequency	تکرار
again	دوباره	dangerous	خطرناک	fully	به طور کامل
ago	قبل، پیش	death	مرگ	gain weight	وزن اضافه کردن
ahead	جلو ، پیش رو	decrease	کاهش یافتن	general health	سلامت کلی
all right	بسیار خوب	definition	تعریف	gerund	اسم مصدر
alone	تنها، به تنهایی	depressed	افسرده، غمگین	get up	برخاستن
amount	مقدار	details	جزئیات	give up	دست کشیدن، رها کردن
another thing	چیز دیگر	development	توسعه ، پیشرفت	go away	دور شدن
around	حدوداً ، تقریباً	device	ابزار ، دستگاه	go out	بیرون رفتن
asleep	خوابیده	diet	رژیم غذایی	goal	هدف
avoid	اجتناب کردن	disagree	مخالفت کردن	grocery	خواروبار، بقالی بزرگ
balanced	متعادل، متوازن	discuss	بحث کردن	grow up	شدن
behave	رفتار کردن	disease	بیماری	guess	حدس زدن
biking	دوچرخه سواری	dish	غذا، ظرف غذا	habit	عادت
blood pressure	فشار خون	dislike	تنفر داشتن	hang out	با دوستان وقت گذراندن
brain	مغز	disorder	اختلال، بی نظمی	happen	اتفاق افتادن
busy	مشغول	each other	یکدیگر	happiness	شادی
call back	بعداً تلفن کردن	early stages	مراحل اولیه	harm	آسیب، صدمه زدن مضر
calm	آرام	education	تحصیل ، آموزش	harmful	سالم تر
candy	آب نبات	effect	اثر ، تاثیر	healthier	شنوایی
carrot	هویج	effective	موثر	hearing	حمله ی قلبی
carry	حمل کردن، بردن	emotion	احساس	heart attack	ضربان قلب
certain	معین ، خاص، مطمئن	emotional	احساسی	heartbeat	سرگرمی
check in	وارد شدن به هتل	enable	قادر ساختن	hobby	بی خانمان
climb	بالا رفتن	enough	کافی	homeless	
come back	برگشتن	especially	مخصوصاً	homemade dish	غذای خانگی
come on!	زود باش!	event	رویداد، واقعه	how often	چند وقت یک بار
condition	وضعیت	exciting	هیجان انگیز	hurry up	عجله کردن
confuse	گیج کردن، اشتباه کردن	factor	عامل	illness	بیماری
couch potato	بی تحرک، تنبل	feel	احساس کردن	image	تصور

واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم – صفحه ۱

above	بالای، بیش از	bowing	تعظیم	economy	اقتصاد
accept	پذیرفتن	careful	مراقب، محتاط	education	تحصیل، آموزش
according to	مطابق با	careless	بی توجه، بی احتیاط	element	عُنصر، عامل
achieve	دست یافتن، رسیدن	carpet	فرش	emotional	احساسی، عاطفی
action	اقدام، عمل	catch	گرفتن، رسیدن	enjoy	لذت بردن
add	افزودن، اضافه کردن	certain	خاص، معین	especially	مخصوصاً
adjective	صفت	change	تغییر دادن	essay	مقاله، نوشته
advise	توصیه کردن	cheap	ارزان	everyone	هر کسی
again	دوباره	choose	انتخاب کردن	everything	هر چیزی
agree	موافقت کردن	classmate	همکلاسی	example	نمونه، مثال
also	همچنین	clause	جمله واره، عبارت	excellent	عالی
amazed	شگفت زده	clothing	پوشاک	exist	وجود داشتن
among	بین چند چیز	combination	ترکیب	expect	انتظار داشتن
another part	بخش دیگر	come from	آمدن، حاصل شدن	experience	تجربه
antonym	متضاد	communicate	منتقل کردن	explain	توضیح دادن
appreciate	قدردانی کردن	condition	شرط، وضعیت	face	مواجه شدن
art gallery	گالری هنری	conditional sentence	جمله شرطی	fall	افتادن
artifact	محصول هنری	confused	گیج، مبہوت	falling intonation	آهنگ افتان
artist	هنرمند	correctly	به درستی	false	نادرست
artistic work	اثر هنری	craft	حرفه ، پیشه، صنعت	feeling	احساس
artwork	اثر هنری	craftsman	صنعت گر مرد	finish	تمام کردن
ashamed	شرمنده	create	خلق کردن، ساختن	flower	گل
attempt	تلاش کردن، کوشش	cultural	فرهنگی	for instance	به طور مثال
attitude	نگرش، رفتار	custom	سنت ، رسم	forget	فراموش کردن
based on	بر اساس	decide	تصمیم گرفتن	former	سابق، قبلی
be able to	توانستن	decrease	کاهش یافتن	fortunate	خوشبخت، خوش شانس
be amused by	سرگرم شدن با	develop	توسعه دادن، ایجاد کردن	future	آینده
be bored with	کسب شدن از	differently	به طور متفاوت	gerund	اسم مصدر
be frightened	ترسیدن از	discuss	بحث کردن	get along with	کنار آمدن با
be surprised at	متعجب شدن از	dislike	متنفر بودن	get back	بازگشتن
be tired of	خسته شدن از	diversity	تنوع، گوناگونی	get depressed about	افسرده شدن به خاطر
beauty	زیبایی	downward arrow	فلش رو به پایین	glad	شاد، خوشحال
begin	شروع کردن	draw	رسم کردن، نقاشی کردن	go well	خوب شدن
behavior	سلوک، رفتار	drive	راندن، رانندگی کردن	good mark	نمره ی خوب
belief	باور، عقیده	each other	یکدیگر	greatly	زیاد، شدیداً
		earn	به دست آوردن(پول)		

واژگان درس سوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۲

greet	احوالپرسی کردن	late	دیر	plan	برنامه داشتن، نقشه
group	گروه، دسته	let's=let us	بیایید...	pleasure	لذت، خوشی
grow up	بزرگ شدن	lifestyle	شیوه ی زندگی	poet	شاعر
handicraft	صنعتِ دستی	light	نور، روشنایی	pottery work	اثر سفالینه قدرت،
handshaking	دست دادن	like	مثل، مانند	power	انرژی کار کردن،
happen	اتفاق افتادن	lucky	خوشبخت دستگاه،	practice	تمرین پیشوند
have to	مجبور بودن	machine	ماشین سروصدا	prefix	شغل فعلی زمان
heart attack	حمله ی قلبی	make noise	کردن مرد، انسان	present job	حاضر فشار
helpful	مفید، سودمند	man	بازار، فروشگاه معنی	present time	جایزه
historical site	مکان تاریخی	market	دادن ذهنی	pressing	تولید کردن قول
history	تاریخ	mean	از دست دادن، نرسیدن	prize	دادن
holiday	روز تعطیلی	mental	اشتباه	produce	
homeland	سرزمین، وطن	miss	اخلاق، اخلاقی رایج	promise	
hope	امیدوار بودن	mistake	ترین حرکت کردن	public transportation	حمل و نقل عمومی
hug	در آغوش گرفتن	moral	نامیدن	quickly	به سرعت
humankind	بشر، انسان	most common	ملت، کشور	quite	کاملاً، خیلی، نسبتاً
hurry up	عجله کردن	move	ملی	really	واقعاً
hurt	صدمه دیدن، آسیب	name	طبیعت	refer to	اشاره داشتن به
idea	ایده، نظر، عقیده	nation	نزدیک، اطراف	reference	مرجع
identity	هویت	natural	همسایه	reflect on	بازتاب دادن، نشان دادن
illness	بیماری	nature	مهم نیست	relationship	ارتباط، ارتباط
imagination	تخیل، تصور	nearby	اشیا	remember	به یاد آوردن
imagine	تصور کردن	neighbor	به موقع	repeat	تکرار کردن
improve	بهبود بخشیدن	no matter	متضاد، مخالف	report	گزارش کردن
in a right way	به طریقِ درست	objects	به جز	respect	احترام کردن
in fact	در حقیقت	on time	خود	respectful	مودب، آبرومند
include	شامل شدن	opposite	کفِ دست	result	نتیجه، پیامد
including	شامل، از جمله	other than	بخش، قسمت	richest	غنی ترین
income	درآمد	own	گذشتن، قبول شدن	right and wrong	درست و نادرست
infinitive	مصدر با to	palm	اسم مفعول	rise	بالا رفتن، افزایش
information	اطلاعات	part	تلفن کردن جسمی	rising intonation	آهنگ خیزان
introduce	معرفی کردن	pass		risk	خطر
jump	پریدن	past participle		river	رود
just	فقط، صرفاً	phone		rug	قالی
kid	بچه، کودک	physical			